

شرایط تعریف صحیح (۲ از ۲)

### شرایط تعریف صحیح

تعریف، باید همه‌ی مصادیق و افراد مفهومی که قصد تعریف آن را داریم در بر گیرد و به اصطلاح «جامع افراد» باشد.

تعریف ارائه شده، تنها باید مصادیق و افراد آن مفهوم مورد نظر را در بر بگیرد و شامل مصادیق و افراد مفاهیم دیگر نشود. در اصطلاح تعریف باید «مانع اغیار» باشد.

### تعریف به اعم و تعریف به اخص

■ تعریف به اعم:

تعریف اگر جامع باشد و مانع نباشد؛ این تعریف را تعریف به اعم می گویند. یعنی تعریف (معرف) از آنچه قصد تعریف آن را داریم (معرف) عام‌تر است و در واقع تعریف همه‌ی مصادیق مفهوم مورد نظر را در بر می گیرد (جامع است)، اما مصادیقی غیر از مفهوم مورد نظر را نیز در بر می‌گیرد (مانع نیست).

## منطق

مثال:

مستطیل: «شکلی چهار ضلعی» این تعریف به اعم است؛ زیرا همه‌ی موارد مستطیل را در بر می‌گیرد، اما مفاهیمی غیر از مستطیل هم‌چون لوزی را نیز در بر می‌گیرد. (جامع است و مانع نیست)

■ تعریف به اخص:

تعریف اگر صرفاً مانع باشد و جامع نباشد، این تعریف را «تعریف به اخص» می‌گویند؛ یعنی تعریف (معرف) از آنچه قصد تعریف آن را داریم (معرف) خاص‌تر باشد.

مثلت: شکلی با سه ضلع برابر ← مانع است ولی جامع نیست.

← تعریف به اخص

جاندار: موجودی که دارای حواس است ← مانع است ولی جامع نیست.

← تعریف به اخص

زمانی که تعریف جامع و مانع است؛ رابطه‌ی تعریف (معرف) با آنچه تعریف می‌کنیم (معرف) از لحاظ نسبت‌های چهارگانه، تساوی است.

بنابراین تعریف صحیح تعریفی است که رابطه‌ی معرف با معرف از لحاظ مصادیق و افرادشان، تساوی باشد.

## منطق

چهارمین ویژگی یک تعریف صحیح، دوری نبودن آن است. تعریف دوری، تعریفی است که یک چیز با خودش (تعریف شیء به خودش) تعریف می‌شود. این تعریف را تعریف دوری می‌گویند که نادرست است.

نوع دیگری از تعریف دوری نیز وجود دارد که در آن فهم تعریف، نیازمند شناخت و فهم مجهول است و برعکس.

مثلاً:

زوج: چیزی که فرد نیست.

بالا: چیزی که پایین نیست.

دیر: زود نبودن.

ضعیف: آن کس که قوی نیست.

همان‌طور که در مثال‌ها مشخص است، در این موارد نیز شناخت تعریف و مجهول به یکدیگر وابسته است و این تعاریف دوری نیز نادرست می‌باشند و ما را به شناخت مفهوم مجهول نمی‌رسانند. (در این نوع از تعریف دوری هر مفهوم با مفهوم مخالفش توضیح داده شده است.)